

مواجهه حکیم مولی حسن بن عبدالرحیم صراغی با ارامنه صراغه

حیدر عیوضی

مقدمه

خاستگاه مسیحیان ارمنی ایران، کشور ارمنستان کنونی است. مسیحیت در سده سوم میلادی در این کشور پایگاهی یافت و در اوایل سده چهارم، دین رسمی این سرزمین شد. کلیسای ارمنستان، تنها سه شورای کلیسایی عام نیکیه (۳۲۵م)، افسوس (۳۳۱م) و قسطنطنیه (۳۸۱م) را به رسمیت می‌شناخت. حضور آنان در ایران به اوایل صفویه برمی‌گردد که در منابع مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در چند قرن اخیر، ارمنه ایران مورد توجه جدی کلیسای کاتولیک و پروتستان بوده است و یکی از اهداف تبشیری آنان، هدایت ارامنه به آئین راست کیشی (از نگاه خودشان) بوده است.

فعالیت‌های تبشیری در نواحی شمال غرب، به ویژه در حوزه ارومیه، به اوایل قرن ۱۹م. بر می‌گردد، هنگامی که انجمن وابسته به مسیون پروتستان آمریکا در سال ۱۸۳۴م. در این ناحیه مستقر شد. سپس مسیون کاتولیک فرانسه معروف به لازاریست‌ها در سال ۱۸۳۹م. و در پی آن هیئت‌هایی از کلیسای انگلستان، لوتری‌های آلمان و بالأخره هیئت اعزامی کلیسای ارتدوکس روس در اواخر همان قرن. بررسی‌ها نشان می‌دهد که این هیئت‌ها به دنبال تحقق اهداف سه‌گانه ذیل بودند:

۱. وعظ و تبلیغ در میان پیروان کلیساهای کهن شرق (نستوری‌ها و ارامنه) با انگیزه هدایت آنها به مسیحیت غالب (کاتولیک/ پروتستان).

۲. تبلیغ و فعالیت در میان پاره‌ای از دیگر اقلیت‌های مستعد چون کردهای ارومیه و کردستان (John Joseph, 1961: 41).

مواجهه حکیم مولی حسن بن عبدالرحیم مراغی با ارامنه مراغه/ حیدر عیوضی

۳. استفاده از خلأ بزرگی که در نظام آموزشی کشور وجود داشت، با ایجاد مدارس رایگان و شبانه‌روزی و اهداء لوازم کمک آموزشی در مدارس. شاید میسیونرهای آلمانی، اولین مبشرینی باشند که در سال ۱۸۳۰م. در تبریز، مدارس آموزشی تأسیس کردند.

تا پیش از جنگ اول جهانی این هیئت‌های تبشیر در عین برخورداری از نوعی وحدت عمل و همدلی مشترک در مخالفت با فرمانروایی دولت‌های اسلامی بر این مناطق، رقابت و هم‌چشمی نیز با یکدیگر داشتند و نگران پیشرفت رقبای خود بودند، ولی با شروع جنگ که روس، انگلیس و فرانسه را در مقام قدرت‌های متفق بر ضد آلمان، اطریش و عثمانی وارد نبرد ساخت، هیئت‌های مزبور سرانجام به عنوان یکی از ابزارهای اصلی پیشبرد سیاست‌های سیاسی نظامی متفقین، خط مشی واحدی را پیش گرفتند.^۱

مجتهد مراغی

حکیم مولی حسن بن عبدالرحیم مراغی، متکلم، عارف و فقیه در سده سیزدهم هجری (۱۳۰۰ه.ق) است و از مفاخر آذربایجان به شمار می‌رود. ایشان در خانواده‌ای اهل علم دیده به جهان گشود. والد ماجدش عبدالرحیم مراغی، شیخ الاسلام مراغه بود. مرحوم آغا بزرگ در طبقات می‌نویسد: «الشیخ عبدالرحیم شیخ الاسلام من اعظم العلماء فی عصره، کان شیخ الاسلام فی مراغه و کانت له فیها مکانة سامیة و مرجعیة کبیرة توفی حدود سنة ۱۲۶۰ه.ق».^۲ از تألیفات این فقیه فرزانه، سه مورد را اطلاع داریم: رساله جهادیه (عربی)، رساله الجهادیه المسماة بالمحمدیة، حاشیه بر حاشیه ملاعبدالله یزدی^۳ مؤلف ما، حسن بن عبدالرحیم، زیر نظر چنین پدری رشد نمود. ایشان تحصیلات مقدماتی را نزد پدر و دیگر علمای مراغه فراگرفت؛ سپس عازم تهران و نجف گردید. سرانجام به زادگاهش برگشت و به تألیف و تدریس پرداخت. وی از معاصران شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بود و در رد آراء و نظرات آنان، رساله‌هایی نوشت.

مجتهد مراغی، آثار گرانبها و صدقات جاریه پربهایی از خود بر جای گذارد:

۱. احیاء مسجد شیخ بابا؛ مطابق وصیتش، او را در شیستان همان مسجد به خاک سپردند.

۱. معتمدی، رحمت‌الله، ارومیه در محاربه عالم سوز، به کوشش کاوه بیات، تهران، تاریخ معاصر، ۱۳۸۹، ص پانزده. به عنوان نمونه آقای رحمت‌الله معتمدی در کتاب ارومیه در محاربه عالم سوز از مقدمه نصارا تا بلوای اسماعیل آقا به حوادث سالهای ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۰ شمسی می‌پردازد. وی با استفاده از منابع مناسب تحلیل عالمانه‌ای از عوامل آشوبهای نظامی در ارومیه ارائه می‌دهد. و نیز رساله «تاریخ تهاجمات و جنایات ارامنه، اسماعیل سمیتقو و سردار ماکو در آذربایجان» اثر میرزا ابوالقاسم امین الشرع خوبی، به کوشش علی صدراایی خوبی، میراث اسلامی ایران، به کوشش رسول جعفریان، ج ۱۰، ص ۱۱-۸۰، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۳۷۸ش.

۲. آقا بزرگ تهرانی، محمدحسن، طبقات اعلام الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۳۰، ج ۱۱، ص ۷۲۵.

۳. طیار مراغی، محمود، سه رساله فلسفی در رد بر شیخیه (میراث اسلامی ایران، ج ۶)، به کوشش رسول جعفریان، قم کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۳۷۶، ص ۶۵۴.

۲. بناء مدرسه علمیه آقا حسن؛ در حال حاضر اثری از آن باقی نمانده و به جای آن، مرکز فرهنگی برپا شده است.

۳. دو فرزند اهل علم، میرزا علی آقا صاحب «کرامات باهرات»، و میرزا احمد آقا (ت ۱۲۸۴ ه.ق). همو تعدادی از رسایل پدر (از جمله همین رساله حاضر) را در سال ۱۳۱۹ ه.ق در ضمن مجموعه‌ای با عنوان کشف سریره الاسلام، منتشر نمود.^۱

۴. تألیفات علمی، در این مقاله تنها به معرفی رسائلی می‌پردازیم که ضمیمه رساله «جواب کافی و بیان شافی لمن سبقت له الحسنی» منتشر شده‌اند و در رابطه با دیگر آثار ایشان، به مقاله آقای محمود طیار مراغی مراجعه شود.^۲ مجتهد مراغی در پایان برخی از رسائلش، اظهار می‌کند که حل مسائل غامض و رموزات معارف ربانی را از طریق الهام و القاء امام عصر (عج) دریافت نموده است؛ به عنوان نمونه در ذیل همین رساله حاضر می‌نویسد: ... هرگاه گویند امام شما نیز غایب است، گوئیم به خواص خودش ظاهر است و به ایشان القا می‌کند آنچه ما یحتاج خلق است، چنانچه این بیانات را به مخلص القا فرمودند جواب از برای شما نوشتیم، روحی و نفسی فداه.

مجتهد مراغی، رساله‌ای دیگر در ردّ مسیحیت به عربی نگاشته با عنوان مشکوة الحکمه و مصباح البیان که نسخه خطی آن در ضمن مجموعه‌ای قرار دارد.^۳ این نسخه در ۲۴ برگ و به خط نسخ است. ایشان پس از خطبه کتاب می‌گوید: «اما بعد، فقد وصل الینا من بعض القسّیسن و الأحبار، المؤسّسین ببیانهم علی شفاجرف هار، کتاب یرجع حاصله عند النظر و الاعتبار إلی ان الطریق فی هذه الأعصار، منحصر علی الکتب الالهیه الباقیه فی ایدی النصارى و اليهود...». متأسفانه تا پایان رساله، هیچ اشاره‌ای به مشخصات نویسنده مسیحی یا کتابش نشده است؛ سپس در در پایان خطبه می‌گوید: فنرتب هذه الرساله علی مقدمه واربعه ارکان و خاتمه، من الله نستمدّ و به نستعین.»

ضمائم رساله حاضر

۱) کشف سریره الاسلام بنور بصیره الایمان؛ ۲) بیان نقطه التوحید و بیان خطه التفرد؛ ۳) میزان المعارف و العلوم و مقیاس المدارک و الفهوم؛ ۴) مطالع المعارف و منهج المکاشف؛ ۵) مدارک الحق و التحقیق و مسالک الصدق و التصدیق؛ ۶) رساله الذهبیه؛ ۷) نقطه المعارف و العلوم و حقیقه المشاعر و الفهوم؛ ۸) مسلک اهل الولا و العنایه فی الطریقه و مشرب ذوی الحسنی و الهدایه فی المعرفة؛ ۹) محاسن الاحوال و میامن الخصال؛ ۱۰) سرالخلیقه و سریره الحقیقه؛ ۱۱) سریره الحقیقه و حقیقه السریره؛ ۱۲) کشف سر

۱. مجتهد مراغی، حسن بن عبدالرحیم، کشف سریره الاسلام بنور بصیره الایمان، تبریز، حاج احمد کتابفروش، ۱۳۱۹ ق.

۲. همان، ص ۶۵۶ - ۶۵۷.

۳. مراغه - کتابخانه عمومی ش: ۱۹/۵؛ تهران - ملی ش: ۷۸۰/۸؛ ص ۱۰۱-۱۱۲؛ تهران - مجلس ش: ۳/۴۷۶؛ تهران - دانشگاه ش: ۳/۴۲۵۰؛ قم - گلیایگانی ش ۲/۶۷۰۰-۷۰/۳۴؛ قم - مرعشی ش: ۸/۲۰۲۷.

لم یطلع علیه الا من خصه الله به؛ ۱۳) معرفة الامام (ع) كما يستحق ان يتعقده الانام؛ ۱۴) كشف التوحيد بالعيان لاهل البصيرة و العرفان؛ ۱۵) بيان اختصاص الاختيار الل الغنى القديم و الاضطراب الحادث الفقير العديم؛ ۱۶) نکات لاهل العلم و هدايا لاهل الفهم؛ ۱۷) الكافي من البيان في الغيب و العيان؛ ۱۸) ازاحة و هم و انارة فهم و ۱۹) اشاره غيبه و دراية بلاكيفية.

رساله «جواب کافی و بیان شافی لمن سبقت له الحسنی»

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَ الصَّلَاةُ عَلَى مَنْ هُوَ مِنَ اللَّهِ بِشِيرٍ وَ نَذِيرٍ وَ السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ وَ الْوَزِيرِ وَ آلِهِ الَّذِينَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي الْعِلْمِ وَ الْفَضْلِ لَهُ نَظِيرٌ وَ شِعْرُهُمْ الَّذِينَ هُمْ كَافِلُوا كُلَّ يَتِيمٍ وَ اسِيرٍ. بَعْدَ يَقُولُ سَالِكُ مَسَلِكِ التَّسْلِيمِ وَ شَارِبُ مَشْرَبِ التَّسْنِيمِ حَسَنُ بْنُ عَبْدِ الرَّحِيمِ قَدْ سَأَلَنِي بَعْضُ الْأَرَامَنَةِ أَنْ أُبَيِّنَ لَهُمُ الْمَذْهَبَ الْحَقَّ فِيمَا بَيْنَ الْمَذَاهِبِ وَ الْأَدْيَانِ بِالْدَلِيلِ الْعَقْلِيِّ بِحَيْثُ يَنْكَشِفُ لِأَهْلِ الْبَصَرَةِ (البصيرة) بالعيان.

پس نوشته شد شکی نیست در اینکه اجسام خالی از چهار عرض نمی باشد؛ یعنی حرکت، سکون، اجتماع و افتراق. و بدیهی است که این اعراض، همگی حادث است و آنچه مقدم بر حوادث و پیش از اینها نتواند شد، آن هم حادث می شود و آنچه مجرد است، مثل عقول و ارواح و نفوس، هرگاه متعدد باشند، تعدد نمی شود، مگر به حدود و کل محدود مرکب است. پس خالی از دو عرض اجتماع و افتراق نمی باشد. آنچه پیش از عرض بودنش محال باشد، آن هم حادث می باشد، مثل عرض و اگر مجرد منحصر به یکی باشد، خالی نیست از اینکه در یک صفت یا زیاده از یک صفت با حوادث شریک باشد یا نباشد، بلکه منزه از جمیع صفات حوادث باشد هرگاه شریک باشد شکی نیست در اینکه مابه الاشتراک غیر ما به الامتیاز است. پس لامحاله مرکب می باشد، پس لامحاله حادث می شود. و اگر منزه از جمیع صفات حوادث و مقدس از جمیع سمات مدرکات باشد، آن قدیم است. و لابد است از اینکه حجتی اقامه نماید در میان خلق که عالم به جمیع مصالح و مفاسد باشد و جامع جمیع محاسن و عاری از جمیع مکاره باشد و الا نقص در ربوبیت غنی مطلق می شود. پس لابد است از اینکه عالم از وجود این چنین شخصی خالی نباشد تا عقول ناقصه به تبعیت آن به مرتبه کمال برسند و جمیع موجودات اجسام به طبایع خودشان ارواح به عقول خودشان حاکمند بر اینکه هر جزء به کل خود و هر جزئی به کلی خود باید تابع شود و شکی نیست در اینکه انسان کامل مذهب خود را القا می کند به تابعین خودش، پس هر ملتی که مستند به انسان کامل نیستند، مذهب ایشان باطل است.

پس مذهب حق منحصر شد به مذهب اثنا عشری که ایشان در سلوک به انسان کامل که جامع جمیع محاسن و عاری از جمیع نقایص باشد، مستندند. و اگر مذهب ایشان حق نباشد، لازم آید که عالم خالی از وجود انسان کامل باشد و آن منافی کمال ربوبیت و منافی توحید خداوند و منافی تنزیه ذات مقدس و منافی وجود قدیم قادر می باشد. اما منافی ربوبیت است به جهت آنکه نقص در افعال یا از عجز می شود

مواجهه حکیم مولی حسن بن عبدالرحیم مراغی با ارامنه مراغه/ حیدر عیوضی

یا از جهل، قدیم از هر دو منزّه است. اما منافی توحید است به جهت آنکه فساد از تعدّد و ممانعت شریک می‌شود مقتضای وحدت کمال است. و اما منافی تنزیه است به جهت آنکه سبب وجود انسان کامل تنزیه مالک و تقدّس اوست. اما منافی وجود قدیم است به جهت آنکه نقص راجع به عدم است و مقتضای وجود کمال و جمال و جلال است. هرگاه ارامنه گویند که حضرت عیسی انسان کامل است، صحیح است، اما باید در میان خلق باشد نه در آسمان چهارم. هرگاه گویند امام شما نیز غایب، است گوئیم به خواصّ خودش ظاهر است و به ایشان القا می‌کند آنچه ما یحتاج خلق است، چنانچه این بیانات را به مخلص القا فرمودند، جواب از برای شما نوشتیم، روحی و نفسی فداه.

مشخصات نسخه

زبان: فارسی؛ کاتب: عبدالمطلب بن رزاق تبریزی؛ به امر: حاج احمد آقا؛ تاریخ کتابت: صفر/ ۱۳۱۹ق
نسخه‌های موجود: بیاض، آستان حضرت معصومه (ع)، کتابخانه مرکزی آستان قدس، کتابخانه آیت الله مرعشی (ره)، کتابخانه عمومی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
محل نشر: تبریز، چاپخانه حاج احمد کتابفروش^۱



۱. مجتهد مراغی، حسن بن عبدالرحیم، جواب کافی و بیان شافی لمن سبقت له الحسنی، تبریز، حاج احمد کتابفروش، ۱۳۱۹ق.